

### متن پرسش

سلام علیکم: استاد در سوال قبلی از حضورتان بحثی را پرسیده بودم اما قضیه برایم حل نشد. نزدیک چهار روز هست که روی بحث کثرات متباین کتاب عرفان نظری آقای یزدان پناه متوقف شده ام. کمی به تفصیل توضیح می دهم اگر جوابم را بدهید ممنون می شوم. در حکمت مشاء آنها معتقدند موجودات اصیل هستند و تمام آنها متباین بالذات هستند و در مفهوم وجود با هم اشتراک دارند و در این مفهوم اشتراکی مشکک هستند. از طرفی دیگر هم مفهوم وجود نمی تواند مشکک باشد. نمی دانم اینکه حکمت مشاء چه اصراری دارد که مفهوم را مشکک بداند. به این قسمت از متن کتاب ملاحظه بفرمایید (به بیان حکیمان مشائی، در حمل مفهوم عام بر موضوعات، تشکیک وجود دارد. این خصیصه انتزاعی بر واجب الوجود بیشتر از ممکن الوجود صدق می کند. همان گونه که می دانیم در هر تشکیکی به یک جهت تأمین کننده وحدت و عینیت و یک جهت تأمین کننده ی افتراق و امتیاز نیازمندیم که دومی باید به گونه ای به اولی بازگشت نماید. از آنجا که مشائیان، اعیان خارجی را متباین به تمام ذات و فاقد جهت اشتراک حقیقی می دیدند، جهت وحدت مورد نیاز در بحث تشکیک را به مفهوم عام لازم نسبت دادند. از نظر آنها، نفس این مفهوم، در لزوم خود و در حمل بر موضوع ها شدت و ضعف دارد. پس تشکیک را به این مفهوم عام نسبت دادند (اصول و مبانی عرفان نظری □ حجت الاسلام سید یدالله یزدان پناه □ صفحه ۱۵۵) البته کتاب این نظر را بطور متقن تایید نکرده است بلکه با گمان صحبت کرده چون مشائیان معتقد هستند که بین علت و معلول سنخیت وجود دارد و اگر این قول باز شود با اشکال بالا در تضاد است، ولی ایّ حال وقتی مفهوم وجود را مشترک بدانیم دیگر نمی توانی تشکیک قائل شوی و اگر هم بخواهی تشکیک قائل شوی باید وجود را بین موجودات مشترک بدانیم نه مفهوم وجود را. می شود این قسمت را توضیح دهید؟ یعنی این یکی از اشکالات حکمت مشاء است؟ ۲- کتاب مفهوم وجود را تعبیر به امر لازم عام کرده است یعنی چه؟ با تشکر

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- همان طور که استاد یزدان پناه می فرماید تشکیک اگر بخواهد حقیقتاً برای چیزی واقع شود باید «ما به الإشتراک آن عین ما به الإمتیاز آن می باشد». یعنی درست از همان جهت که مثلاً وجود در همه مشترک است از همان جهت نیز وجود دارای شدت و ضعف باشد، نه این که عاملی خارجی موجب شدت و ضعف شده باشد. همان طور که قبلاً عرض کردم باید ببینیم

چگونه مشاء می‌خواهد برای مفهوم وجود وجودهای متباین تشکیک قائل شود در حالی که برای هیچ مفهومی از آن جهت که مفهوم است، تشکیک معنا نمی‌دهد، عرض کردم چاره‌ای ندارند که صرفاً یک معنایی از تشکیک در این رابطه انتزاع کنند و بگویند مثلاً در معنای وجود در ملائکه نسبت به معنای وجود در سنگ یک نحوه تشکیک هست، در صورتی که وقتی تشکیک معنا می‌دهد که یک وجود ما داشته باشیم در مظاهر مختلف، نه آن که دو وجود داشته باشیم آن طور که در ملائکه و سنگ هست ۲- معنای عام لازم همان مفهوم وجودی است که برای همه‌ی موجودات متباین قائل‌اند که یک مفهوم انتزاعی است. موفق باشید